



اسراف، تهدیدکننده منابع است نه جمعیت/ خدا نگران کمبود خزاننش نیست

حجت الاسلام محسن عباسی ولدی گفت: در قرآن ردپایی از اینکه خدا نگران تمام شدن خزاننش باشد نمی بینیم. اینکه اگر جمعیت زیاد شود، زمین و آسمان از عهده رزق مردم برنمی آیند، نگاه مشرکانه است.

حجت الاسلام محسن عباسی ولدی گفت: در قرآن ردپایی از اینکه خدا نگران تمام شدن خزاننش باشد نمی بینیم. اینکه اگر جمعیت زیاد شود، زمین و آسمان از عهده رزق مردم برنمی آیند، نگاه مشرکانه است.

به گزارش خبرنگار مهر، موضوع کاهش نرخ رشد جمعیت از جمله مسائلی است که در صورت وقوع خطراتی مانند کمبود منابع انسانی و پیری جمعیت را به دنبال خواهد داشت. یکی از توجیهاتی که مخالفین افزایش جمعیت طرح می کنند محدودیت منابع مورد نیاز جمعیت است. در این باره با حجت الاسلام محسن عباسی ولدی گفتگویی انجام داده ایم.

حجت الاسلام محسن عباسی ولدی، کارشناس علوم دینی و تربیتی از سال ۱۳۸۸ به عنوان کارشناس در برنامه های رسانه های پرسش و پاسخ تربیتی با موضوع خانواده حضور پیدا کرده است. بیشترین حجم حضور او در برنامه رادیو معارف است که مباحث او با استقبال خوبی هم از سوی مخاطبان روبه رو شده است. وی همچنین صاحب تألیفات متعددی در زمینه های علوم تربیتی، اخلاق و خانواده است.

*یکی از شبهات جدی در زمینه افزایش جمعیت بحث کمبود منابع است. مردم می گویند ما از نظر منابع محدودیت هایی داریم که حتی پاسخ گوی جمعیت موجود هم نیست. حالا چطور می توانیم به فکر افزایش جمعیت بباشیم؟ یکی از نمونه هایی که این روزها ذهن مردم را به شدت مشغول خودش کرده همین محدودیت منابع آبی است که خبرهای زیادی هم درباره آن منتشر می شود.

اولین نفری که این ایده را مطرح کرد، یک استاد دانشگاه انگلیسی با نام توماس رابرت مالتوس (Thomas Robert Malthus) (۱۴ فوریه ۱۷۶۶ - ۲۹ دسامبر ۱۸۳۴) بود. او معتقد بود که با توجه به محدودیت منابع کشاورزی و عدم تناسب رشد آن با رشد جمعیت باید جمعیت را کنترل کرد. (رساله نکاحیه، ص ۱۳۶) مالتوس با نگاهی کاملاً غیردینی این نظریه را مطرح کرد. از آن روز تا امروز حدود دو قرن می گذرد؛ اما نه تنها درستی نظریه مالتوس به اثبات نرسیده؛ بلکه با افزایش محصولات کشاورزی و کشف منابع جدید انرژی معلوم شده که نگرانی او چندان به جا هم نبوده است.

در جواب این سؤال باید به این پرسش اساسی پاسخ داد که آیا آنچه امروز تهدید کننده منابع مورد نیاز انسان است، جمعیت است یا اسراف افسار گسیخته که جزو زندگی انسان ها شده؟ مقایسه مصرف امروز و دیروز انسان ها به راحتی نشان می دهد که اولاً اسراف تبدیل به یک مسأله عادی شده و ثانیاً هر نفر آدم به اندازه چندین نفر مصرف دارد!

در حال حاضر میانگین آب مصرفی سرانه جهان حدود ۵۸۰ مترمکعب برای هر نفر در یک سال است؛ این در حالی است که در ایران با این که در یک منطقه خشک و نیمه خشک قرار دارد و جزو کشورهای کم آب محسوب می شود، این سرانه برای هر نفر حدود ۱۳۰۰ متر مکعب در سال است؛ یعنی دو برابر میانگین دنیا. هدررفت آب در ایران ۲۸ تا ۳۰ درصد است؛ در حالی که متوسط مقدار اتلاف در دنیا ۹ تا ۱۲ درصد گزارش شده است.

استفاده نادرست از آب آشامیدنی نیز در ایران ۷۰ تا ۸۰ درصد بیشتر از متوسط جهانی است. استاندارد مصرفی آب در ایران برای هر فرد روزانه ۱۵۰ لیتر آب در شبانه روز است که براساس آن سهم استحمام ۵۰ لیتر، سرویس بهداشتی ۳۰ لیتر، شستن لباس ها ۲۰ لیتر، پخت و پز ۱۵ لیتر، شستن ظرف ها ۱۵ لیتر، نظافت منازل و آبیاری باغچه ۱۰ لیتر، کولر ۵ لیتر و آشامیدنی و غیره ۵ لیتر است و متأسفانه در عمل شاهد آن هستیم که چندین برابر استانداردها آب مصرف می شود.

میزان سرانه مصرف آب در استان تهران بیش از ۳۵۰ لیتر در شبانه روز است که این عدد در متوسط کشوری ۱۹۲ لیتر و در متوسط جهانی ۱۵۰ لیتر در شبانه روز محاسبه شده که فاصله بسیاری با استانداردهای موجود دارد. سرانه مصرف آب در کلان شهرهای ایران، ۲۵۰ لیتر در روز است و این در حالی است که استاندارد جهانی ۱۵۰ لیتر است؛ به عبارتی هر نفر در ایران ۱۰۰ لیتر آب به صورت روزانه اسراف می کند. همه اینها در حالی است که ما مدعی دینی هستیم که بیرون ریختن اضافه آب را هم اسراف می داند. مصرف برق در ایران سه برابر، بنزین شش برابر و گاز سه برابر میانگین جهانی است.

ما باید فرهنگ مصرف صحیح را در میان مردم جا بیندازیم؛ نه این که صورت مسئله را پاک کرده و از ازدیاد جمعیت جلوگیری کنیم. یکی از نشانه‌های بالا بودن مصرف بی‌رویه و اسراف، حجم زباله‌های تولید شده هر کشوری است. سرانه ایران در زمینه پسماند و تولید زباله ۸۰۰ کیلوگرم در سال است. این سرانه در جهان ۲۹۹ کیلوگرم است که نشان می‌دهد در استفاده بهینه از منابع طبیعی، مدیریت درستی نداریم.

این که ما می‌بینیم تعداد افرادی که در جهان اضافه وزن دارند بیشتر از کسانی است که دچار سوء تغذیه شده‌اند، نشان از چه نکته‌ای دارد؟ یک سوم مواد غذایی تولید شده برای مصرف انسان، سالانه در دنیا دور ریخته یا اسراف می‌شود. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در گزارشی اعلام کرد حجم ضایعات و اسراف مواد غذایی سالانه حدود ۱.۳ میلیارد تن در دنیا است که این میزان بیش از نصف کل محصول غلات جهان را شامل می‌شود!

برنج یکی از پرمصرف‌ترین مواد غذایی در میان ایرانی‌هاست؛ اما همین محصولی که قیمت چندان ارزانی هم ندارد، فدایی اسراف‌های دردآور ماست. در ایران بیش از دو برابر سرانه متوسط جهان برنج مصرف می‌شود. در سرانه متوسط جهانی مصرف برنج ۲۰ کیلوگرم در سال است؛ اما متأسفانه در ایران ۴۳ تا ۴۴ کیلوگرم در سال برنج مصرف می‌شود که این میزان با استانداردهای تغذیه، مغایرت اساسی دارد.

وقتی سفره غذا را می‌خواستید جمع کنید، نگاهی به بشقاب‌ها و سفره بیندازید. چقدر برنج در بشقاب‌ها و سفره ریخته است؟ فکر نمی‌کنم به ازای هر نفر کمتر از ده دانه برنج باشد؛ البته بدون تردید در بسیاری از خانه‌ها ده‌ها برابر این برنج دور ریخته می‌شود؛ اما ما فرضی را در نظر می‌گیریم که هیچ کس فکر انکار آن را نکند.

اگر هر ایرانی در طول یک روز فقط ده دانه برنج اسراف کند، با توجه به جمعیت هفتاد و شش میلیونی ما، هفتصد و شصت میلیون دانه برنج می‌شود. وزن هر پنجاه دانه برنج به صورت تقریبی یک گرم است. پس با توجه به این وزن تقریبی باید گفت هر روز پانزده هزار و دویست کیلو برنج هدر می‌رود. با توجه به این که هر کیلو برنج تقریباً غذای پنج نفر را تأمین می‌کند. این میزان برنج یک وعده غذایی برای هفتاد و شش هزار نفر را تأمین می‌کند.

حالا محاسبه کنید در یک ماه چه اندازه برنج تلف می‌شود؟ چهارصد و پنجاه و شش هزار کیلو. در طول یک سال هم پنج میلیون و چهارصد و هفتاد و دو کیلو برنج اسراف می‌شود. اگر حداقل متوسط قیمت برنج را چهار هزار تومان بگیریم، قیمت این اندازه از برنج می‌شود ۲۱۸۸۸۰۰۰۰۰ (بیست و یک میلیارد و هشتصد و هشتاد و هشت میلیون تومان) آنچه گفتیم نگاهی خوش‌بینانه به اسراف در یک ماده غذایی بود. ما پیرو مکتبی هستیم که برای خوردن تکه نان‌های کنار افتاده پاداش‌های خارج از حد انتظار برشمرده است. پس چرا این اندازه در زمینه اسراف حتی از برخی کشورهای غیرمسلمان هم پیشی گرفته‌ایم.

حالا نگاهی گذرا به اوضاع مصرف نان هم بیندازیم تا کمی بیشتر ابعاد اسراف در جامعه ما نمایان شود: ایران بالاترین مصرف نان را در جهان دارد و سالانه ۳ میلیون تن گندم در کشور اتلاف می‌شود. سرانه مصرف نان در ایران حدود ۱۶۰ کیلوگرم است که نسبت به کشورهای اروپایی نظیر فرانسه که ۵۶ کیلوگرم و در آلمان ۷۰ کیلوگرم در سال است بیشتر می‌باشد. میزان آرد مصرفی داخلی (آرد خبازی) حدود ۵/۸ میلیون تن در سال و میزان ضایعات نان در استان تهران بر طبق آمارهای موجود ۱۱ تا ۱۳ درصد است.

حالا به سرانه مصرف برخی از اقلام دیگر هم نگاهی بیندازیم: سرانه مصرف روغن در کشور حدود ۱۷ کیلوگرم و مصرف سرانه دنیا ۱۲/۵ کیلوگرم است. سرانه مصرف گوشت مرغ در ایران بالغ بر ۲۵/۴ کیلوگرم در سال اعلام شده است. مصرف این نوع گوشت در ایران طی سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته است و از سال ۲۰۰۷ تاکنون ۳ کیلوگرم به ازای هر نفر افزایش داشته است که رشد ۱۳ درصدی را نشان می‌دهد.

مصرف گوشت مرغ در ایران بیشتر از چین (۹/۶ کیلوگرم)، کلمبیا (۲۴/۱)، اتحادیه اروپا (۱۸/۱)، هند (۲/۳)، اندونزی (۳/۸)، ژاپن (۱۶/۵)، کره جنوبی (۱۵/۵) و برخی کشورهای دیگر بوده است. بر اساس این گزارش سرانه مصرف گوشت گوساله در ایران نیز طی ۴ سال گذشته ۳ کیلوگرم افزایش داشته و از ۷/۳ کیلوگرم در سال ۲۰۰۷ به ۱۰/۳ کیلوگرم در سال ۲۰۱۱ رسیده است. بدین ترتیب مصرف سرانه گوشت گوساله در ایران طی ۴ سال بالغ بر ۴۱ درصد رشد داشته است. مصرف گوشت گوساله در ایران بیشتر از این کشورهاست: چین (۴ کیلوگرم)، مصر (۶/۷)، هند (۱/۶)، ژاپن (۹/۸)، پاکستان (۸/۱)، فیلیپین (۳/۸)، تایوان (۵/۵) و اوکراین (۸/۴).

اجازه بدید به بیاناتی از مقام معظم رهبری نیز در این باره اشاره کنم. ایشان می‌فرمایند: ما مردم مُسرفی هستیم؛ ما اسراف می‌کنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسایل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین. کشوری که تولید کننده نفت است،

وارد کننده فرآورده نفت - بنزین - است! این تعجب آور نیست؟! هر سال میلیاردها بدهیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم برای اینکه بخشی از جمعیت و ملت ما دلشان می‌خواهد ریخت و پاش کنند! این درست است؟! ما ملت، به عنوان يك عیب ملی به این نگاه کنیم. اسلام نمی‌گوید که مردم بایستی با ریاضت و زهد آنچنانی زندگی کنند؛ نه، معمولی زندگی کنند، متوسط زندگی کنند. اینکه می‌بینید بعضی از فضول‌های خارجی، دولت‌های خارجی، دائم و دم به ساعت، چندین سال است که ملت ما را تهدید می‌کنند که تحریم می‌کنیم، تحریم می‌کنیم، تحریم می‌کنیم - بارها هم تحریم کرده‌اند - به خاطر این است که چشم امیدشان به همین خصوصیت منفی ماست. ما اگر آدم‌های اهل اسراف و ولنگاری در خرج باشیم، ممکن است تحریم برای آدم مسرف و ولنگار سخت تمام بشود؛ اما ملتی که نه؛ حساب کار خودش را دارد، حساب دخل و خرج خود را دارد، حساب مصلحت خود را دارد، زیاده روی نمی‌کند، اسراف نمی‌کند. خب، تحریم کنند. بر يك چنین ملتی از تحریم ضرری وارد نمی‌شود. (بیانات مقام معظم رهبری، خطبه‌های عید سعید فطر، ۲۱/۷/۸۶)

ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می‌گیرد. تجمل‌گرایی‌ها، چشم و هم‌چشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ این‌ها از موارد اسراف است. وسایل تجملات، وسایل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ این‌ها چیزهایی است که ما برای آن‌ها پول صرف می‌کنیم. پولی که می‌تواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می‌کنیم به این چیزهای ناشی شده از هوس، چشم و هم‌چشمی، آبروداری‌های خیالی. مسافرت می‌روند، می‌آیند، میهمانی درست می‌کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیش‌تر است! - عروسی می‌گیرند، عزا می‌گیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود.

نمی‌گوییم پول را بردارید بروید حتماً انفاق کنید - البته اگر انسان انفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر انفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهام شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست می‌کنیم، عزا درست می‌کنیم، هی رخت و بر روزه روز دگرگون برای خودمان درست می‌کنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمی‌کنند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»؛ بخورید، بیاشامید، اما زیاده‌روی نکنید.

در آیه شریفه دیگر: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. ما بندگان خدا هستیم. این‌ها حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در روایت دارد که کسی میوه‌ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام (ع) به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتل‌ها میهمانی درست کنند و به يك عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هرچه که غذا ماند، به بهانه اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب يك جامعه اسلامی است؟ این گونه می‌شود به عدالت رسید؟

باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه بپوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد اینکه يك مدل بالاتر وارد می‌شود، این را کاته دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟! این چه هوس بازی‌ای است که ما به آن دچار هستیم. (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران امام رضا علیه السلام؛ ۱/۱/۸۸)

*واقعا این آمارهایی که شما ارائه دادید و سخنانی که از مقام معظم رهبری نقل کردید بسیار قابل تأمل است. تردیدی نیست که اگر کسی در این آمار دقت کند و کمی هم وجدان داشته باشد، در میزان و نوع مصرف با تدبیر و درایت بیشتری عمل می‌کند؛ اما بالاخره ما کثرت جمعیت را برای همین جامعه‌ای تجویز می‌کنیم که به تعبیر مقام معظم رهبری مسرف است، پس باز هم مشکل سر جای خودش باقی است.

از نظر روان شناختی تعداد جمعیت بیشتر در مدیریت صحیح مصرف تأثیر مستقیم دارد. دو مثال ملموس می‌زنم تا این مسئله خوب جا بیفتد: حتماً خانواده‌هایی را دیده‌اید که درآمدشان یکسان؛ اما تعداد جمعیتشان متفاوت است؛ هر دو ماهی یک میلیون درآمد دارند؛ اما یک خانواده پنج نفر و دیگری سه نفر هستند. وقتی آخر ماه می‌رسد، مانده پول هر دو یکسان است و حتی در برخی از موارد خانواده پنج نفره وضع بهتری دارد. چرا با این که خانواده اول دو نفر بیشتر هستند؛ اما میزان پولی که در آخر ماه در جیب پدرها مانده یکسان است؟ زیرا پدری که یک خانواده پنج نفری را اداره می‌کند، مدیریت اقتصادی بهتری دارد.

اگر به خانه این دو سر بنزید می‌بینید مخارجی در خانه سه نفره انجام گرفته که نیازی به آن نبوده و این خرج‌ها در خانواده پنج نفره انجام نگرفته؛ مثلاً در آن خانواده پنج نفره هفته‌ای دو بار گوشت استفاده می‌شود؛ اما در خانواده سه نفره هر روز؛ در حالی

که از نظر جسمی، ما نیاز به خوردن هر روزه گوشت نداریم. در خانواده سه نفره مبلغ زیادی خرج مکالمات بیهوده تلفنی می‌شود؛ اما در خانواده پنج نفره از تلفن به صورت حساب شده و در حد ضرورت استفاده می‌شود.

به یک مثال دیگر توجه کنید. شما وقتی سر سفره نشسته و مادر در همان ابتدا از همه عذرخواهی کرده و می‌گوید: «بخشید غذا امروز کم است»، از همان ابتدا شما به خودتان می‌قبولانید که امروز با غذای کمتری باید سیر بشوید. همین قبولاندن، احساس نیاز شما را به غذا کم می‌کند؛ البته ما در بسیاری از موارد نیازی به غذای بیشتر هم نداریم. با توجه به این باید گفت خود کثرت جمعیت یک عامل برای مدیریت مصرف است. اگر بپذیریم که مشکل جامعه ما منابع نیست، شیوه و اندازه مصرف است و اگر بپذیریم که کثرت جمعیت یکی از عوامل مدیریت مصرف به صورت توفیق اجباری است، دیگر نگاهمان به کثرت جمعیت به عنوان از بین برنده منابع نخواهد بود؛ بلکه کثرت جمعیت را راهی برای استفاده بهینه از منابع خواهیم دید.

از سوی دیگر به این نکته توجه کنید که اگر ما امروز فکری به حال جمعیت نکنیم، فردا دیگر نمی‌توان راهی برای حل معضل کمبود جمعیت و سالمندی کشور پیدا کرد. فعلاً نرخ باروری در جامعه ما به گونه‌ای پیش می‌رود که در آینده ما نگران نبود منابع طبیعی نخواهیم بود؛ بلکه مشکل اصلی ما محدودیت منابع انسانی خواهد بود.

*نگاه دینی به مسأله روزی رسان بودن خداوند چه تفاوتی با نگاه های مادی گرایانه دارد؟

نوع نگاه ما به عالم و قانون‌های آن با نوع نگاه مادی‌گرای غربی فرق دارد. غرب مادی‌گرا معتقد است که خدا عالم را خلق کرده و کنار کشیده و اداره عالم به دست خود انسان است. در حالی که ما معتقدیم خدا عالم را آفریده و لحظه به لحظه، آن را اداره می‌کند. عالم لحظه‌ای از سیطره ربوبیت خدا خارج نیست. ما خدا را تنها خالق عالم نمی‌دانیم. خدا رب است. رب السماوات و الارض است. بارها و بارها به این واقعیت در قرآن تصریح شده است.

رب هر چیز موجودی است که مالک و مدبر آن چیز است. (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۵) اینکه اگر جمعیت زیاد شود، زمین و آسمان از عهده رزق مردم بر نمی‌آیند، نگاه مشرکانه است. این نگاه ریشه در عقاید یهود دارد که معتقد بودند: «يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» (سوره مائده/آیه ۶۴)، دست خدا بسته است.

مسأله جلوگیری از فرزندآوری که مسأله جدیدی نیست، در همان زمان ائمه (ع) هم به صورت طبیعی انجام می‌گرفت. در کتاب‌های روایی ما، فصلی به صورت مستقل به جلوگیری طبیعی از فرزنددار شدن اختصاص یافته که «باب العزل» نام دارد. اگر بنا بود خدا از عهده رزق اهالی زمین بر نیاید، باید در دستورات خود به ما توصیه می‌کرد که حواسمان به فرزندآوری باشد.

ما ابتدا تا انتهای قرآن را که ورق بزنیم، ردپایی از این که خدا نگران تمام شدن خزائنش باشد نمی‌بینیم. «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهَ لِقَادَرُونَ» و از آسمان، آبی به اندازه [معین] فرود آوردیم، و آن را در زمین جا دادیم، و ما برای از بین بردن آن مسلماً توانایییم. (سوره مؤمنون/ آیه ۱۸)

«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ گرداند، مسلماً در زمین سر به عصیان برمی‌دارند؛ لیکن آنچه را بخواهد به اندازه ای [که مصلحت است] فرومی‌فرستد. به راستی که او به [حال] بندگانش آگاه بیناست. (سوره شوری/ آیه ۲۷) بنده هم می‌دانم که میزان ذخایر آب شیرین جهان کم است؛ همیشه نسبت آب شیرین به آب‌های غیرقابل شرب در دنیا کم بوده است.

بیش از دو سوم کره زمین را آب فرا گرفته است؛ اما فقط حدود ۲.۵ درصد آن را آب شیرین تشکیل داده و از این مقدار هم حدود ۷۰ درصد آن به صورت یخ در قطب شمال و جنوب یا به صورت آب‌های زیر زمینی عمیق با عمق بیش از ۲۰۰۰ متر می‌باشد که برای ما غیر قابل دسترسی است. در مجموع می‌توان گفت از کل آب‌های موجود بر روی این کره خاکی تنها یک درصد آن به صورت آب شیرین قابل شرب برای بشر می‌باشد که بر اساس گزارش سازمان یونسکو اگر همه آب‌های موجود در جهان را یک گالن فرض کنیم، کل آب شیرین را باید به اندازه یک قاشق چای‌خوری در نظر گرفت.

با این وجود هیچ گاه خدای خالق نفرمود که آب نخورید. خدا به ما می‌گوید بخورید؛ اما بندگی کنید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» ای مردم! از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. (سوره بقره/آیه ۱۶۸) خدا نمی‌گوید نخورید و نیاشامید؛ می‌گوید: كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» بخورید و بیاشامید ولی [زیاده روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد. (سوره اعراف/ آیه ۳۱)]

از نگاه دینی، آسمان و زمین بنده خدا و مطیع او هستند. آن‌ها که نگران تمام شدن منابع هستند، خدایی خدا را فراموش کرده‌اند. حضرت علی(ع) در نهج البلاغه خطبه‌ای دارند که معروف به خطبه استسقاء است و خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه است. فراز به فراز آن خطبه دنیا دنیا معرفت است. ایشان در آن خطبه می‌فرماید: «آگاه باشید این زمینی که شما را در بر می‌گیرد و آسمانی که بر شما سایه می‌افکند، هر دو مطیع فرمان پروردگار شماست. این دو برکات خود را به شما، نه به خاطر ترس، و نه برای تقرب به شما و یا انتظار نیکی از شما، می‌بخشند؛ بلکه آن‌ها مأمور رساندن منفعت به شما هستند و اطاعت (فرمان حق) نموده‌اند.

به آن‌ها دستور داده شده که به مصالح شما قیام نمایند و آنها چنین کردند. خداوند بندگان خویش را به هنگامی که کارهای بد انجام می‌دهند، با کمبود میوه‌ها و جلوگیری از نزول برکات و بستن در گنج‌های خیرات به روی آنان آزمایش می‌کند. این آزمایش به خاطر این است که توبه‌کاران توبه کنند و کسی که باید دست از گناه بکشد خودداری کرده و پندپذیران پند گیرند و آن که از گناه می‌ترسد از انجام کار خلاف باز ایستد. خداوند پاک و منزّه، استغفار را سبب فراوانی روزی و رحمت بر خلق قرار داده است؛ چنانکه فرموده است: «از پروردگار خود آمرزش بخواهید که آمرزنده است، برکات خویش را از آسمان بر شما فرو می‌بارد و با بخشش ثروت و فرزندان شما را تقویت می‌کند و باغستان‌ها و نهرهای آب در اختیار شما می‌گذارد.